

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، صفحات ۱۷-۳۵

تحلیل مشارکت اعضای شوراهای اسلامی در مدیریت روستا:

مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشمر

همایون فرهادیان، مریم تاجری مقدم، و عنایت عباسی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل مشارکت شوراهای اسلامی در مدیریت روستا در شهرستان کاشمر است. جامعه آماری تحقیق ۱۰۲ عضو شوراهای اسلامی بخش مرکزی شهرستان کاشمر را در برمی گیرد که از آن میان، تعداد ۶۷ نفر عضو به روش نمونه گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند. نتایج تحلیل همبستگی نشان می دهد که نگرش به تأثیر برنامه های آموزشی و ترویجی، شرکت در دوره های آموزشی، دانش فنی و آگاهی از عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی، و ارتباط با جهان خارج از روستا و روستاییان با «مشارکت اعضای شورا در فعالیت های مدیریت روستا» رابطه مثبت و معنی دار دارند. همچنین، بین فاصله روستا از مرکز شهرستان و متغیر مشارکت اعضای شورا رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. بر اساس نتایج به دست آمده از رگرسیون چندگانه گام به گام، سه متغیر نگرش به تأثیر برنامه های ترویجی و آموزشی، دانش فنی و آگاهی از

* به ترتیب، نویسنده مسئول و استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس (farhadianh@yahoo.com)، دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، و استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.

عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی، و ارتباط با جهان خارج از روستا و روستاییان ۵۵ درصد از تغییرات متغیر میزان مشارکت اعضای شورا در فعالیتهای مدیریت روستا را تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: شوراهای اسلامی / مشارکت / مدیریت روستا / کاشمر (شهرستان).

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طی دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی و با تأثیر از نگرش‌های موجود و مستند به قانون اساسی، وظیفه مدیریت روستایی به عهده شوراهای اسلامی روستا سپرده شد. این شوراها، اگرچه ظاهراً جانشین انجمن ده بودند، اما در عمل، نمایندگان واقعی مردم و منتخبان واجد شرایط محسوب می‌شدند (مهدوی، ۱۳۷۸: ۱۸۶-۱۹۴).

نقطه عطف تحولات در مدیریت روستایی ایران مربوط به قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی در سال ۱۳۷۵ است که در آن، بر شورا به عنوان تنها نهاد مدیریت در روستاها تأکید شد و بر اساس آن و نیز طبق ضوابط جمعیتی، برای روستاهای تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت سه عضو و برای روستاهای بیش از ۱۵۰۰ نفر جمعیت پنج عضو به عنوان شورا در نظر گرفته شد (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

نظام مدیریت روستایی ایران طی سال‌ها، به لحاظ ساختارهای اجتماعی، دستخوش تحولات و دگرگونی‌هایی پیچیده شده و خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی ادوار، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، به بروز مشکلات فراوان برای روستاییان انجامیده است. از یک سو، با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی، دیگر ساختار سنتی مدیریت قادر به حل و فصل مشکلات این جامعه مولد نیست و از دیگر سو، ساختار جدید مدیریت روستایی هم که مبتنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه‌ریزی از پایین به بالاست، به دلایل متعدد از جمله غیربومی بودن، نتوانست جایگاه خود را پیدا کند. روستاها به‌منزله مکان‌های تولیدی خاص با شیوه زندگی و فعالیتهای متفاوت نسبت به شهرها، به الگوی مدیریتی

مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی حاکم بر روستاها نیاز دارند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۹).

در نظام جدید مدیریتی کشور، مدیریت روستاها به شوراها سپرده شده است. شوراهای روستایی نهادهایی مشارکتی‌اند که در قالب آنها، تلاش مردم روستا برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌شان منسجم و هماهنگ می‌شود؛ همچنین، به دلیل فراگیر بودن شوراهای روستایی در اغلب روستاهای کشور و انتخاب آنها از سوی مردم و اقدامات و خدمات آنها در ابعاد مختلف اقتصادی، عمرانی، فرهنگی و اجتماعی که از نقاط قوت تشکل‌های مردمی است، مرجع تشخیص‌دهنده نیازهای ده به‌شمار رفته، نسبت به آنها برنامه‌ریزی می‌کنند و حتی موانع و مشکلات مدیریت روستا را به شورای بخش منعکس می‌کنند تا تصمیم‌گیری‌های لازم درباره این مشکلات در رده‌های بالای مدیریتی انجام گیرد (Schattan and Arilson, 2008: 2938).

تشکل‌های مردمی در قالب شوراها از جمله ساختارهایی است که دولت‌ها روابط تعاملی با آنها را در دستور کار خود قرار می‌دهند. این تشکل‌ها، با گرایش به راهبردهای مشارکتی، بیشتر متوجه نقش تسهیل‌گری و میانجی‌گری بوده و می‌کوشند که بر فرایندهای طراحی‌شده مدیریت روستا تأثیر بگذارند (Korten, 1987: 54). بنابراین، از آنجا که ظهور شوراهای اسلامی روستایی از مهم‌ترین رخدادها در عرصه مدیریت روستاهای کشور بوده است، پرداختن بدین شیوه مدیریت که مبتنی بر مشارکت و دخالت مردم در سرنوشت خودشان است، با هدف تحلیل مشارکت شوراهای اسلامی در مدیریت روستا ضرورت می‌یابد.

با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، تاکنون تحقیقاتی در این زمینه انجام شده است، که البته شماری اندک از آنها به بررسی نقش شوراها در مدیریت روستا پرداخته و بیشتر آنها به اموری مانند تشکیل جلسه و فعالیت‌های انجام‌شده بسنده کرده‌اند. علاوه بر آن، بیشتر تحقیقاتی که درباره مدیریت روستایی در ایران انجام شده، مدیریت روستایی را با تأکید بر عملکرد

دهیارها بررسی کرده‌اند. از بین نهادهای مسئول در اداره امور روستاها، از سال‌ها پیش، بنیاد مسکن اقداماتی در این زمینه انجام داده است که جامع‌ترین آن را طالب تدوین کرده است (طالب، ۱۳۹۰).

رضوانی (۱۳۸۳) به بررسی سیر تحول مدیریت توسعه روستایی در کشور با توجه به اهمیت مشارکت در این فرایند پرداخته و در پایان، پیشنهادهایی برای اصلاح ساختار مدیریت توسعه روستایی ارائه کرده است.

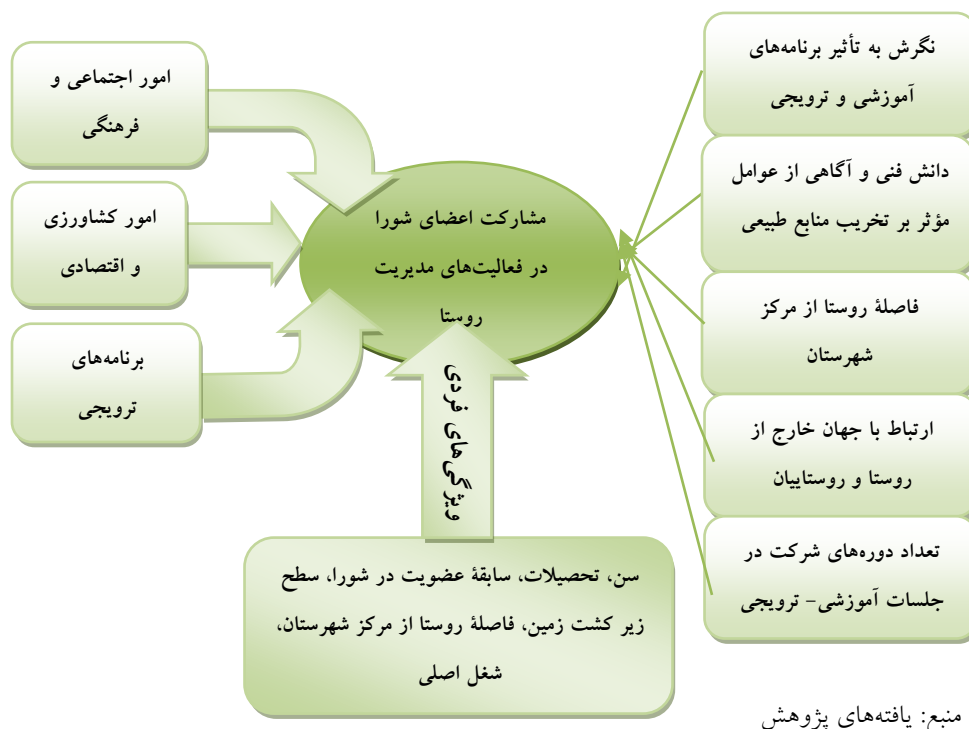
بزی و هدایتی (۱۳۸۹) در تحقیق خود، با بررسی روند تحولات مدیریت روستا با تأکید بر عملکرد شوراهای اسلامی در منطقه سیستان، بدین نتیجه رسیدند که شوراها تا حد توان خود در پیشبرد اهداف توسعه روستایی کوشا هستند و در این زمینه کوتاهی نکرده‌اند؛ چنانچه در مواردی هم نتوانسته‌اند فعالیت‌های انجام دهند، علت آن عواملی چون نبود اعتبار کافی، سستی بودن فرهنگ مردم، دور بودن روستا، و محرومیت اقتصادی منطقه بوده است. رضوانی و احمدی (۱۳۸۸)، در مطالعه شوراهای اسلامی روستایی شهرستان زرنديه استان مرکزی، چنین نتیجه گرفتند که مردم روستاها همکاری و مشارکت فعال با شوراهای اسلامی روستایی دارند؛ همچنین، از آنجا که در فرایند توسعه روستایی ایران یک نظام مشارکتی حاکم است و نیز مردم محلی در امور و مسائل زندگی خود با مسئولان محلی (شوراهای اسلامی روستایی) برای رفع مشکلات خود مشارکت می‌کنند، برنامه‌ریزی توسعه محلی با نتایج مثمرتر همراه خواهد بود.

نتایج حاصل از تحلیل مشارکت تشکلهای مردمی در برنامه‌های ترویجی پیرامون توسعه پایدار روستایی در شهرستان میاندوآب و شاهین‌دژ نشان داد که میزان مشارکت بیش از هفتاد درصد شوراها در امور روستایی (کشاورزی، خدمات عمومی، اجتماعی، فرهنگی و ترویجی) در حد زیاد بوده که نشانگر نقش و جایگاه این تشکل خاص در میان روستاییان و همچنین، رابطه معنی‌دار دانش فنی و آگاهی از عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی،

نوآوری و نوپذیری، فاصله روستا از شهرستان، و دید جهان‌شهری شوراها با مشارکت اعضای شورا در برنامه‌های ترویجی و تسهیل‌گری است (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۱۱۶-۱۱۷). محمدی سلیمانی (۱۳۸۰)، در تحقیق خود، بدین نکته دست یافت که با افزایش فاصله از مرکز شهرستان، میزان مشارکت جوانان و نوجوانان در فعالیت‌های توسعه روستا کاهش می‌یابد؛ و این امر نشان‌دهنده اهمیت نزدیکی به مراکز شهری و دسترسی به نواحی خدمات‌رسانی است. البته وجود روستا- شهرها و شهرهای کوچک میان روستاها و مراکز شهرستان می‌تواند تأثیر عامل فاصله تا مرکز شهرستان را کاهش دهد.

پورطاهری و همکاران (۱۳۸۹)، در مطالعه خود با عنوان «ارزیابی عملکرد شوراهای اسلامی در توسعه روستایی در دهستان آلاذغ بجنورد»، بدین نتیجه دست یافتند که با افزایش فاصله از شهر، بهبود عملکرد شوراها در سطح مسائل بهداشتی روستاها، همکاری با سازمان‌ها و حل اختلاف میان روستاییان حاصل شده و بنابراین، میزان مشارکت اعضای شورا در فعالیت‌های توسعه روستا افزایش یافته است.

شاتان و آریلسون (Schattan and Arilson, 2008) نیز در مطالعه خود درباره رابطه بین مشارکت و مدیریت روستا، بدین نتیجه رسیدند که بهترین راه پیدا کردن آنچه مردم نیاز دارند و بهترین راه حل برای مشکلات آنها درگیر کردن خود آنها در مسائل است و مردم عامل اصلی تولید و ارتقای بهره‌وری به‌شمار می‌روند، و توجه به افزایش رفاه و بهبود زندگی مردم در راستای ارتقای بهره‌وری آنها در اقتصاد ملی و توسعه روستایی خواهد بود. بنابراین، بر اساس مطالعات انجام‌شده و نیز متغیرهای بررسی‌شده در تحقیق حاضر، مدل مفهومی تحقیق در قالب شکل ۱ آورده شده است:



منبع: یافته‌های پژوهش

شکل ۱- مدل مفهومی مشارکت اعضای شورا در فعالیتهای مدیریت روستا در میان اعضای شورای اسلامی بخش مرکزی شهرستان کاشمر

در مجموع، شناخت و بررسی نقش شوراهای اسلامی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین تشکلهای در سطح نواحی روستایی و رابط میان دولت و مردم در راستای انعکاس مسائل و مشکلات مردم و رفع آنها در جامعه روستایی لازم و ضروری است. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل مشارکت شوراهای اسلامی در مدیریت روستا در بخش مرکزی شهرستان کاشمر است. اهداف اختصاصی تحقیق عبارت‌اند از: ۱- بررسی ویژگی‌های

فردی و اقتصادی اعضای شوراهای روستایی، ۲- تعیین میزان مشارکت اعضای شوراهای روستایی در فعالیتهای مدیریت روستا (برنامه‌های ترویجی، امور کشاورزی- اقتصادی، و فرهنگی- اجتماعی)، ۳- تحلیل همبستگی بین عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت اعضای شوراهای روستایی در فعالیتهای مدیریت روستا، و ۴- تعیین متغیرهای پیشگویی‌کننده میزان مشارکت اعضای شوراهای روستایی در فعالیتهای مدیریت روستا.

مبانی نظری

مفهوم توسعه و مدیریت روستایی

نظریه‌های توسعه طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ غالباً رشد اقتصادی را همان توسعه می‌دانستند و از تأثیر عوامل دیگر غفلت می‌ورزیدند (عربی و لشکری، ۱۳۸۳: ۵۷). با ناکارآمدی این دیدگاه و شکست بسیاری از راهبردهای توسعه، در دهه‌های بعد، ظهور نظریه‌های توسعه با رویکرد اجتماعی و با تأکید بر راهبرد مشارکت مردمی در فرایند توسعه و نیز توجه بدین نظریه‌ها را شاهد بوده‌ایم. مسئله مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه روستایی موضوعی است که نقطه آغاز آن به دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ برمی‌گردد. این راهبرد در برنامه‌ریزی روستایی با تمرکز بر بعد اجتماعی، مشارکت مردم، تمرکززدایی قدرت و بهره‌گیری از خرد جمعی شکل گرفت. این راهبرد جدید توسعه با عنوان «توسعه مشارکتی» وارد ادبیات توسعه شده است (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۷).

اگر توسعه روستایی را فرایند افزایش انتخاب مردم، گسترش دموکراتیک، توانمندسازی مردم به‌منظور تصمیم‌گیری برای شکل‌دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیتهای بالقوه، توانمندسازی زنان، فقرا و دهقانان مستقل و آزاد برای سازمان‌دهی فضای زیست خود و همچنین، توانایی برای انجام کار گروهی بدانیم، می‌توان گفت که در نظریه‌های جدید توسعه، توانمندسازی از ارکان اصلی مدیریت و توسعه روستایی است. خوداتکایی مردمی، آزادسازی فرهنگی، دسترسی به حقوق در بعد اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی، خودکفایی در تأمین مواد غذایی، دسترسی به درآمدها، دارایی‌ها و تسهیلات اعتباری، دسترسی به دانش و فناوری، و وجود فضای مشارکتی در تمام ابعاد تلاش انسانی از پیش شرط‌های توانمندسازی محسوب می‌شوند (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۵: ۴).

بنابراین، صاحب‌نظران توسعه روستایی معتقدند که برای تحقق توانمندسازی جامعه روستایی به منظور افزایش توانایی تصمیم‌گیری مدیریت روستایی، باید از داخل جامعه محلی شروع کرد و عوامل بیرونی می‌توانند به شکل تسهیل‌گر ایفای نقش کنند. متأسفانه در چند دهه اخیر در کشور، برداشت نادرست از روند توسعه و به‌ویژه توسعه روستایی منجر به شکل‌گیری دولتی‌اقتدارگرا و بزرگ شده که در تمام زمینه‌ها دخالت کرده، خود به غفلت از نقش مشارکتی مردم و همکاری‌های آنها در روند توسعه دامن زده است (همان: ۵).

مدیریت روستایی، در واقع، فرایند سازمان‌دهی و هدایت جامعه روستایی از طریق شکل‌دهی سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار اداره مناطق روستایی است. این سازمان‌ها و نهادها ابزارهای تأمین اهداف جامعه روستایی به‌شمار می‌روند، اهدافی که مردم با توجه به خواست‌ها و امکانات موجود خود، آنها را ترسیم کرده و می‌پذیرند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱).

همان‌گونه که گفته شد، موفقیت و شکست هر سازمان در دستیابی به اهداف و انجام وظایف خود متکی به مدیریت آن است. روستا نیز در قالب یک سازمان-فضای زیست، از این قاعده مستثنا نیست. اما در فرایند مدیریت روستایی جدید، بازیگران اصلی صحنه مدیریت سه نهاد مردم، دولت و بخش خصوصی‌اند که طی فرایندی، برنامه‌های توسعه روستایی را تدوین، اجرا، نظارت و ارزیابی می‌کنند. بنابراین، می‌توان هدف مدیریت روستایی را ایجاد یک رابطه منطقی و تنظیم‌شده بین انسان و محیط برای رسیدن به رضایت‌مندی و خشنودی در زندگی مردم مناطق روستایی دانست که در رأس آن، وجود عنصری برای برنامه‌ریزی آینده و اداره امور کنونی روستا ضروری است؛ و این عنصر باید از طریق همکاری متعادل و فعال نیروهای بیرونی (دولت و بخش خصوصی) و درونی

(مردم محلی، تشکل‌ها و سازمان‌های محلی) شکل گیرد که تحقق آن از طریق استفاده از نیروهای مردمی (شوراهای اسلامی) در فرایند تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی امکان‌پذیر می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۸).

نقش و عملکرد شوراهای اسلامی روستا در مدیریت روستایی

نظام شوراهای اسلامی روستا در مدیریت روستایی ایران متأثر از اتخاذ راهبرد مشارکت مردم در روند توسعه است. مشارکت را می‌توان راهی برای افزایش و توزیع مجدد فرصت‌ها، شرکت جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مندی از ثمرات آن تعریف کرد (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۴). با این همه، باید یادآور شد که مشارکت روستاییان نیازمند برنامه‌ریزی‌های محلی است؛ بدین معنی که برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای بیشتر به توسعه شهرها و گاهی مناطق مستعد روستایی می‌انجامد و از این‌رو، تضمین‌کننده توسعه روستایی نیست. چگونگی حل مشکل با استفاده از منابع محدود و کمیاب و نیز بهره‌مندی از دانش بومی از مهم‌ترین نکات در مشارکت روستاییان شمرده می‌شود (دیاس و ویکرامانایاک، ۱۳۶۸: ۳۴).

در ایران، مشارکت روستایی از دیرباز در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز خدماتی مطرح بوده است. در امور اجتماعی و فرهنگی، نمونه‌هایی مشخص از همکاری و مشارکت در جامعه روستایی را می‌توان در واحدهای بهره‌برداری جمعی و سنت‌های مشارکتی جست‌وجو کرد. نهادهای مشارکتی مانند بنه، صحرا، حراثه و پاگو از نمونه‌ایی به‌شمار می‌روند که قرن‌ها در جامعه روستایی ایران وجود داشته است. پس از پذیرش دین اسلام از سوی ایرانیان، نهادهایی مانند شوراها، مزارعه، مضاربه، تعاون، وقف، مشاع شکل گرفته که موجب پدید آمدن واحدهای جمعی و مشارکتی در جامعه شده است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۷: ۵).

بر اساس اصل یکصدم قانون اساسی، برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به

مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند (همان: ۶-۹).

طبق این اصول، مدیریت روستایی ایران بر عهده شوراهاست، و ضروری است تا کلیه امور از سوی مردم طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا شود؛ با این همه، شوراهای اسلامی روستایی فاقد سازمان و تشکیلات مشخص و مدون بوده و بدون بودجه مستقل و مشخص، در زمینه به‌کارگیری نیروها و تخصص‌های لازم و نیز فعالیت در امور اقتصادی مانند کشاورزی و صنایع دستی، در امور سیاسی و اجتماعی مانند نظم و انتظامات در روستا و همکاری با مأموران سیاسی و امنیتی، در امور عمرانی و بهسازی مانند احداث و اصلاح معابر، اجرای طرح‌های هادی و شبکه برق و آب و مانند اینها و بالاخره، در امور مربوط به دعاوی و موضوعات حقوقی چندان کارایی ندارند.

در ماده ۱۵۶ برنامه توسعه، برای استفاده از توانمندی‌های شوراهای روستا وظایفی قائل شده‌اند (تشکر، ۱۳۸۲: ۶-۷):

- الف) شوراهای روستا با شناسایی مشکلات فرهنگی، ورزشی، عمرانی، بهداشتی و آموزشی در روستا، پیشنهادهایی برای رفع آنها به مسئولان ارائه دهند؛
- ب) برای مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی و سایر امور رفاهی، برنامه‌ریزی و اقدام کنند؛
- ج) در حفظ و نگهداری بناهای فرهنگی، ورزشی و هنری و گلزار شهدای روستا تلاش کنند؛ و
- د) در حفظ بناها و آثار تاریخی و محوطه‌های تاریخی - فرهنگی همکاری کنند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است؛ زیرا از یک سو، به توصیف متغیرها می‌پردازد و از سوی دیگر، میزان و نوع رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک را تعیین می‌کند. جامعه

آماري پژوهش را اعضاي شوراهای اسلامي دهستان بالاولايت و پايين‌ولايت شهرستان کاشمر در استان خراسان رضوي تشکيل می‌دهند ($N=102$). در تحقيق حاضر، از روش نمونه‌گيري تصادفي ساده استفاده شد و نمونه‌گيري از جامعه آماری با بهره‌گيري از رابطه کوکران صورت گرفت ($n=67$). ابزار تحقيق پرسشنامه بوده که از پنج بخش تشکيل شده است؛ بخش اول به سنجش ويژگي‌های فردی و اقتصادی اعضا، بخش دوم به سنجش ارتباط شوراها با روستاييان و جهان خارج از روستا (شش گويه)، بخش سوم به سنجش نگرش شوراها نسبت به تأثير برنامه‌های ترويجی و آموزشی (پنج گويه)، بخش چهارم به سنجش دانش فنی اعضا و آگاهی از عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبيعي (هفت گويه)، و بخش پنجم نیز به سنجش مشارکت اعضا در فعاليت‌های مدیریت روستا (پانزده گويه) اختصاص دارد. بخش دوم تا پنجم پرسشنامه بر اساس طيف پنج‌گزينه‌ای ليکرت از خیلی کم تا خیلی زياد (در دامنه یک تا پنج) سنجيده شده است. متغيرهای مستقل و وابسته تحقيق، به‌ترتیب، عبارت‌اند از ويژگي‌های فردی و اقتصادی (سن، تحصیلات، سابقه عضويت در شورا، سطح زیر کشت، شغل اصلي، فاصله تا مرکز شهرستان)، میزان ارتباط اعضا با روستاييان و جهان خارج از روستا، نگرش شوراها به تأثير برنامه‌های ترويجی، دانش فنی اعضا و آگاهی از عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبيعي و مشارکت در فعاليت‌های مدیریت روستا تشکيل داده‌اند. روايي محتوایی ابزار تحقيق، با بهره‌گيري از نظرات متخصصان و اساتيد ترويج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه تربيت مدرس، پس از چند مرحله اصلاح و بازنگری به‌دست آمد. معيار پایایی درونی ابزار تحقيق مورد نظر نیز با استفاده از آلفای کرونباخ برای بخش‌های دوم تا پنجم پرسشنامه، $0/81$ محاسبه شد، که نشانگر اعتبار قابل قبول پرسشنامه است. تجزيه و تحليل داده‌ها در سطح توصيفی (توزیع فراوانی، درصد، میانگین و اولويت‌بندی) و استنباطی (همبستگی و تحليل رگرسیون) به کمک نرم‌افزار SPSS انجام شد.

نتایج و بحث

ویژگی‌های فردی و اقتصادی اعضای شوراهای اسلامی روستا

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میانگین سنی اعضای شورا ۵۱ سال (انحراف معیار ۱۰/۸۷) است که کمتر از نیمی از آنها (۴۳/۳ درصد) در گروه چهل تا پنجاه سال و بیش از یک‌چهارم آنها (۲۶/۹ درصد) در گروه سنی بیش از شصت سال قرار دارند. همچنین، همه اعضای شورا را مردان تشکیل می‌دهند. بیش از یک‌سوم (۴۰/۳ درصد) از اعضا دارای تحصیلات راهنمایی، بیش از یک‌چهارم (۲۶/۹ درصد) ابتدایی، چهارده نفر (۲۰/۹) دبیرستان و تنها سه درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. میانگین سابقه عضویت در شورا به‌طور میانگین ۹ سال (انحراف معیار ۴/۴۸) بوده و سابقه عضویت کمتر از دو سوم اعضای شورا (۶۴/۱۷ درصد) چهار تا هشت سال (یک تا دو دوره) و سه درصد شانزده تا بیست سال (چهار تا پنج دوره) است. میانگین سطح زیر کشت زمین سه هکتار (انحراف معیار ۱/۳۷) بوده و حدود نیمی از اعضا (۵۰/۷ درصد) با برخورداری از چهار تا پنج هکتار زمین، در طبقه کشاورزان متوسط‌مالک قرار می‌گیرند و ۴/۵ درصد اعضا بیش از پنج هکتار زمین (کشاورزان بزرگ‌مالک) دارند. میانگین فاصله روستا از مرکز شهرستان ۹ کیلومتر (انحراف معیار ۷/۴۱) بوده و کمتر از نیمی از روستاها (۴۶/۳ درصد) کمتر از شش کیلومتر با شهرستان فاصله دارند و تنها شش روستا دوازده تا هجده کیلومتر با شهرستان فاصله دارند. همچنین، از نظر وضعیت اشتغال، کمتر از نیمی از اعضای شورا (۴۵ درصد) به کشاورزی و دامداری می‌پردازند و یک‌سوم آنها (۳۳ درصد) در زمینه کشاورزی فعالیت می‌کنند.

مشارکت اعضای شورا در فعالیت‌های مدیریت روستا

در پژوهش حاضر، برای سنجش میزان مشارکت اعضای شورا در مدیریت روستا، دوازده گویه در قالب سه عامل امور کشاورزی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و برنامه‌های ترویجی، با طیف لیکرت پنج‌قسمتی (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، و خیلی

زیاد=۵) بررسی شد. بر اساس یافته‌های تحقیق، بیشترین میزان مشارکت اعضای شورا در فعالیت‌های مدیریت روستا در امور اجتماعی و فرهنگی است؛ مشارکت در امور کشاورزی و اقتصادی در رتبه دوم و مشارکت در برنامه‌های ترویجی در رتبه سوم جای دارد. مشارکت اعضای شورا در مقوله برنامه‌های ترویجی کمتر از سایر مقوله‌ها بود؛ به دیگر سخن، اعضای شورا معتقد بودند که این موارد جزو وظایف نهادهای دیگر است و شوراها صرفاً باید با این نهادها همکاری کنند (جدول ۱).

جدول ۱- رتبه‌بندی میزان مشارکت اعضای شورا در فعالیت‌های مدیریت روستا (n=۶۷)

رتبه	انحراف معیار	میانگین	گویه	زمینه مشارکت
۱	۰/۵۸۵	۴/۴۶	حل اختلاف بین روستاییان و میان روستاها	اجتماعی و فرهنگی
۲	۰/۵۸۳	۴/۴۳	پیگیری ایجاد خدمات زیربنایی (برق، گاز)	
۳	۰/۵۶۶	۴/۲۶	پیگیری حل مشکلات بهداشت و درمان	
۴	۰/۶۳۸	۴/۰۴	ساخت بناهای عمومی (مانند مسجد و حسینیه)	
۵	۰/۸۲	۳/۷۹	تعیین و رعایت حق آب (سهم آب)	کشاورزی و اقتصادی
۶	۰/۶۴	۳/۱۱	مشاوره در فعالیت‌های کشاورزی	
۷	۰/۶۷	۳/۱	مقابله با خشکسالی	
۸	۰/۸۲۹	۳/۰۸	لایروبی جوی‌ها و کانال‌ها	
۹	۰/۹۱۹	۳/۰۵	مشارکت در برگزاری دوره‌های آموزشی ترویجی	برنامه‌های ترویجی
۱۰	۰/۹۵۳	۳	مشارکت در نیازسنجی دوره‌های آموزشی ترویجی	
۱۱	۰/۹۵۷	۲/۵۵	همکاری در تدوین برنامه‌های ترویجی و توسعه	
۱۲	۰/۸۲۷	۲/۲۶	همکاری در ارزشیابی دوره‌ها و پروژه‌ها	

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج بررسی همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته

نتایج کاربرد ضریب همبستگی بیانگر همبستگی متغیرهای نگرش به تأثیر برنامه‌های آموزشی و ترویجی، شرکت در دوره‌های آموزشی، و دانش فنی و آگاهی از عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی با مشارکت اعضای شورا در فعالیتهای مدیریت روستا به صورت مثبت در سطح پنج درصد است. همچنین، متغیرهای فاصله روستا از مرکز شهرستان و ارتباط با جهان خارج از روستا و روستاییان با متغیر مشارکت اعضای شورا، به ترتیب، رابطه منفی و مثبت معنی‌دار در سطح یک درصد دارند (جدول ۲).

جدول ۲- رابطه مشارکت اعضای شورا در فعالیتهای مدیریت روستا با سایر متغیرهای تحقیق (n=67)

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
مشارکت اعضای شورا	نگرش به تأثیر برنامه‌های آموزشی و ترویجی	۰/۱۷۱*	۰/۰۵
	تعداد دوره‌های شرکت در جلسات آموزشی- ترویجی	۰/۲۳*	۰/۰۴
در فعالیتهای مدیریت روستا	دانش فنی و آگاهی از عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی	۰/۲۶*	۰/۰۳۴
	فاصله روستا از مرکز شهرستان (کیلومتر)	-۰/۳۱**	۰/۰۰۱
	ارتباط با جهان خارج از روستا و روستاییان	۰/۳۶**	۰/۰۰۱

$P \leq 0.01$ **

$P \leq 0.05$ *

منبع: یافته‌های تحقیق

برای پیش‌بینی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر متغیر وابسته «مشارکت اعضای شورا در فعالیتهای مدیریت روستا»، از رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شد، که نتایج حاصل از آن در جدول ۳ آمده است.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که پس از ورود متغیرهای مستقل مربوط در معادله رگرسیونی و محاسبه معنی‌دار بودن هر متغیر با استفاده از روش گام به گام، سه متغیر

نگرش به تأثیر برنامه‌های ترویجی و آموزشی، دانش فنی و آگاهی از عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی، و ارتباط با جهان خارج از روستا و روستاییان تبیین‌کننده ۵۵ درصد ($R^2_{adj}=0/55$) از تغییرات میزان مشارکت اعضای شورا در فعالیتهای مدیریت روستاست؛ به دیگر سخن، ۴۵ درصد از نوسانها مربوط به اثرات سایر عواملی است که در تحقیق حاضر بررسی نشده‌اند.

جدول ۳- متغیرهای مؤثر بر مشارکت اعضای شورا در فعالیتهای مدیریت روستا بر اساس

تحلیل رگرسیون گام به گام

متغیر	ضریب (B)	ضریب استاندارد (Beta)	آماره t	سطح معنی‌داری
ضریب ثابت	۲/۸۱	---	۹/۴۸	۰/۰۰۰
نگرش به تأثیر برنامه‌های آموزشی و ترویجی (X_1)	۰/۹۴۲	۰/۲۸۷	۲/۷۷۲	۰/۰۳
دانش فنی و آگاهی از عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی (X_2)	۰/۳۲۹	۰/۲۱۵	۵/۷۸۷	۰/۰۰۱
ارتباط با جهان خارج از روستا و روستاییان (X_3)	۰/۳۷	۰/۴۱	۴/۹۴	۰/۰۰۰

F=۵۸/۳۴۷

$R^2_{adj}=0/55$

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تشکیل شوراهای اسلامی، گسترش نهادهای مدنی و سپردن کارها به مردم از جمله مسائلی است که از آغاز تشکیل شوراهای تاکنون فراز و نشیب‌هایی را به خود دیده و در چند سال اخیر، با توجه بیشتری دنبال شده است. اجرای برنامه‌های مدیریت روستایی از سوی نهادهای انقلاب اسلامی، با رویکرد جلب مشارکت مردم برای جبران عقب‌ماندگی‌های روستا و فضای عمومی سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، اذهان را به تشکیل شوراهای اسلامی در روستا برای تحقق برنامه‌های مدیریت روستایی معطوف کرد.

در تحقیق حاضر، با بررسی میزان مشارکت شوراهای فعالیت‌های مدیریت روستا، درمی‌یابیم که مشارکت در امور اجتماعی و فرهنگی در جایگاه نخست قرار دارد و مشارکت در امور کشاورزی و اقتصادی و مشارکت در برنامه‌های ترویجی، به ترتیب، در اولویت‌های بعدی جای گرفته‌اند؛ به دیگر سخن، اعضای شورا معتقد بودند که مشارکت در برنامه‌های ترویجی جزو وظایف نهادهای دیگر است و شوراهای صرفاً باید با این نهادها همکاری کنند؛ افزون بر این، چون اعضای شورا از تحصیلات دانشگاهی کمتری برخوردارند و اکثریت آنها میان‌سال به‌شمار می‌روند، با برنامه‌های ترویجی و مزایای آن آشنا نیستند و از این‌رو، فقط در فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی و کشاورزی- اقتصادی مشارکت کردند، که این نتایج هم‌سو با دستاوردهای مطالعات عبداللهی (۱۳۸۴)، بزی و هدایتی (۱۳۸۹) است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، نگرش به تأثیر برنامه‌های آموزشی و ترویجی، شرکت در دوره‌های آموزشی، دانش فنی و آگاهی از عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی، و ارتباط با جهان خارج از روستا و روستاییان با «مشارکت اعضای شورا در فعالیت‌های مدیریت روستا» رابطه مثبت و معنی‌دار دارند، بدین معنی که اگر اعضای شورا در دوره‌های آموزشی شرکت کنند، نسبت به برنامه‌های ترویجی نگرشی مساعد پیدا کرده، از عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی آگاه شده، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های مدیریت روستایی خواهند داشت. از سوی دیگر، هرچه ارتباط اعضای شورا با جهان خارج از روستا و روستاییان بیشتر باشد، با نیازهای محسوس و نامحسوس روستاییان بیشتر آشنا می‌شوند و در صدد رفع آن برمی‌آیند. همچنین، فاصله روستا از مرکز شهرستان با «مشارکت اعضای شورا» رابطه منفی و معنی‌دار دارد، بدین معنی که با افزایش فاصله روستا از مرکز شهرستان، اعضای شورا دسترسی کمتری به کلاس‌های آموزشی و برنامه‌های ترویجی دارند و فقط به نیازهای اولیه روستاییان توجه می‌شود و از این‌رو، مشارکت آنها در فعالیت‌های مدیریت

روستایی کاهش می‌یابد، که با یافته‌های تحقیق محمدی سلیمانی (۱۳۸۰) همخوانی دارد؛ اما مطالعات پورطاهری و همکاران (۱۳۸۹) حاکی از وجود رابطه مثبت بین فاصله روستا از مرکز شهرستان و مشارکت اعضای شورا در فعالیتهای مدیریت روستاست، بدین معنی که با افزایش فاصله از شهر، بهبود عملکرد شوراهای در سطح مسائل بهداشتی روستاها و نیز همکاری با سازمانها و حل اختلاف میان روستاییان حاصل شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق و نتایج یادشده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- از آنجا که همه اعضای شورا را مردان تشکیل می‌دهند و تنها سه درصد اعضای شورا تحصیلات دانشگاهی دارند، پیشنهاد می‌شود که در روستاها فرهنگسازی شود تا در دوره‌های بعدی از زنان و مردان با تحصیلات دانشگاهی در تشکیل شورا استفاده شود، زیرا افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشتر نه تنها به نیازهای محسوس روستا توجه می‌کنند، بلکه با آگاهی از اثرات مثبت برنامه‌های ترویجی در مدیریت روستا در نیازسنجی، برگزاری و ارزشیابی دوره‌های آموزشی- ترویجی با متولیان مربوط همکاری خواهند کرد؛

۲- از آنجا که کمترین میزان مشارکت اعضای شوراهای ترویجی بوده و از میان گزینه‌های این برنامه، مشارکت در ارزشیابی برنامه‌های ترویجی پایین‌ترین میزان را به خود اختصاص داده است، برای پویایی هرچه بیشتر مشارکت اعضای شوراهای، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران ترویج به نقش مهم شوراهای در این زمینه توجه جدی داشته باشند و از طریق مشوق‌هایی، به افزایش مشارکت آنها کمک کنند و همچنین، از کارشناسان ترویج یا همان مأموران تغییر در نظام جامعه روستایی برای همکاری و تبادل نظر با اعضای شورا استفاده شود؛

۳- آن دسته از اعضای شورا که از دانش فنی بالاتری در زمینه عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی برخوردارند، مشارکت بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ بنابراین، از طریق

برگزاری کلاس‌های آموزشی، می‌توان دانش فنی و آگاهی اعضای شورا را نسبت به عوامل مؤثر بر تخریب منابع طبیعی ارتقا بخشید و به افزایش مشارکت اعضا در برنامه‌های ترویجی و تسهیل‌گری پیرامون حفظ منابع طبیعی کمک کرد و در نهایت، بر میزان مشارکت آنها در مدیریت روستا افزود؛ و

۴- با توجه به رابطه مثبت «نگرش به تأثیر برنامه‌های ترویجی و جهان‌شهری بودن اعضای شورا» با «مشارکت آنها در فعالیت‌های مدیریت روستا»، پیشنهاد می‌شود که بین سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌ها که متولی شوراهای روستایی است و سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، در قالب عقد قراردادی، زمینه تعامل و مشارکت بیشتر شوراهای روستایی در فعالیت‌های ترویجی و آموزشی فراهم آید.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۷۷)، «مدیریت مشارکتی شوراهای اسلامی و نظام مدیریت روستایی در ایران»، *فصلنامه علوم انسانی جهاد دانشگاهی*، سال ۱، شماره ۲.
- اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید (۱۳۷۰)، *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*. ترجمه منصور محمودنژاد. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- بزی، خدارحم و هدایتی، صلاح (۱۳۸۹)، «روند تحولات مدیریت روستا در ایران با تأکید بر عملکرد شوراهای اسلامی: مطالعه موردی منطقه سیستان». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۳، شماره ۳، صص ۱۰۵-۱۲۶.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدمیر (۱۳۸۱)، *نظریه‌های توسعه روستایی*. تهران: سمت.
- پورطاهری، مهدی؛ همدمی مقدم، یلدا؛ و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۹)، «ارزیابی عملکرد شوراهای اسلامی در توسعه روستایی (نمونه موردی: دهستان آلاداغ بجنورد)». *برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)*، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۲۳-۳۸.
- تشکر، زهرا (۱۳۸۲)، «روستا در برنامه سوم توسعه». *ماهنامه دهیاری‌ها*، سال ۱، شماره ۳.
- دیاس، هیران دی. و ویکرامانایاک، بی. دبلیو. ای (۱۳۶۸)، *در برنامه‌ریزی توسعه روستایی*. ترجمه ناصر فرید. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: قومس.

- رضوانی، محمدرضا و احمدی، علی (۱۳۸۸)، «شوراهای اسلامی روستایی، مشارکت مردمی و توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان حکیم‌آباد، شهرستان زرنديه، استان مرکزی)». *فصلنامه پژوهشی جغرافیای انسانی*، سال ۱، شماره ۴، صص ۳۵-۴۹.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۵)، *جایگاه روستا در برنامه‌ریزی کلان*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ و عینالی، جمشید (۱۳۸۶)، «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱-۳۱.
- طالب، مهدی (۱۳۹۰)، *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- عبداللهی، عیوض (۱۳۸۴)، *تحلیل مشارکت تشکل‌های مردمی و محلی در برنامه‌های تسهیل‌گری (ترویجی) پیرامون توسعه پایدار روستایی: مطالعه موردی شوراهای روستایی استان آذربایجان غربی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عربی، سیدهادی و لشکری، علیرضا (۱۳۸۳)، *توسعه در آینه تحولات*. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.
- قدیری معصوم، مجتبی و ریاحی، وحید (۱۳۸۳)، «بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران». *پژوهش‌های جغرافیایی*، سال ۳۶، شماره ۵۰، صص ۱۹۸-۱۷۷.
- محمدی سلیمانی، مهرداد (۱۳۸۰)، *عوامل مؤثر بر میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی در برنامه‌ریزی توسعه، نمونه موردی شهرستان کرمان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- مهدوی، مسعود (۱۳۷۸)، *جغرافیای روستایی ایران*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- Korten, David C. (1987), "Third generation NGO strategies: a key to people centered development". *World Development*, Vol. 15, No. 1, pp. S145-S159.
- Schattan, Vera and Arilson, Favareto (2008), "Questioning the relationship between participation and development: a case study of the Vale do Ribeira, Brazil". *World Development*, Vol. 36, No. 12, pp. 2937-2952.

